

نقدی بر

ما کی هستیم؟

(کتاب اول و دوم)

مباحثه با تاریخ

و

جستاری در خطاب افغان

یک بحث انتقادی یا جعلکاری تاریخی

از:

مهدیزاده کابلی

۲۰۲۳

ماجرای یک سرقت ادبی عجیب!

سرقت ادبی زمانی شکل می‌گیرد که یک فرد، ایده و متنی را که حاصل فکر و تلاش فرد دیگری است به نام خود منتشر کند یا بدون ذکر نام صاحب اثر از آن استفاده نماید. البته سرقت ادبی دامنه‌ای گسترده دارد: «کپی کردن ایده‌ها و متن دیگران بدون ذکر منبع»، «ارائه اثر دیگران به عنوان اثر خود» و حتی «ارائه اطلاعات نادرست در مورد مرجع نقل و قول» نیز سرقت ادبی نامیده می‌شود.

واژه‌ی «پلیجریزم» یا «پلاجیاریسم» (Plagiarism) به چم «سرقت ادبی»، اولین بار توسط شاعری «هجو» سرای رومی به نام «مارکوس والرئوس مارتیلیوس» (Marcus Valerius Martialis) استفاده شد که در اسپانیای امروزی به دنیا آمد و در قرن اول میلادی می‌زیست. او به افرادی که اشعار او را به نام خود منتشر می‌کردند، لقب «غارتگر و فریبکار» (Plagiarius) داده بود.^۱

اما این جا به ماجرای سرقت ادبی جناب سید حمیدالله روغ می‌پردازم؛ با وجود احترام فراوانی که من برای ایشان قائلم، در هر صورت، نقد ادبی باید راه خودش را برود تا بتواند پرتوی بیش‌تری را بر روی واقعیات بیافکند.

جالب است، وقتی صفحه‌ی ۱۸۱ کتاب اول جناب روغ را ورق می‌زنیم، سرقت کردن ادبی او به عینه آشکار می‌شود! وی به نقل قول از پروفیسور هنریک سامویل نیبرگ می‌نویسد:

ادعای آذربایجانی بودن زرتشت، یک ادعای ساسانی و پس از ساسانی است و آنان برای به کرسی نشاندن این ادعا، حتی از جابه‌جایی نام جغرافیایی هم خودداری نکردند (نیبرگ، ۱۳۵۹، ص ۴۰۰) ...^۲

۱- رجوع شود به جانستون، پاتریشیا، ستایش‌ها و طنزها در شعر لاتین، از انتشارات دانشگاه آکسفورد.
Johnston, Patricia A. "Epigrams and Satire in Latin Poetry". Oxford University Press.

۲- روغ، ما کی هستیم؟ کتاب اول: مباحثه با تاریخ، ص ۱۸۱.

در حالی که این جمله از پروفیسور نیبرگ نیست، شما هم می‌توانید این کتاب را که متجاوز از ششصد صفحه دارد، سر تا پا خوب زیر و رو کنید، در هیچ صفحه‌ی این مطلب را نخواهید یافت. اساساً من این را شرط می‌گذارم: هرکسی آن را بیابد، می‌تواند تمام سخنان مرا یک دروغ زشت بخواند! زیرا این متن کوتاه نوشته‌ی من است!

ماجرای این‌جا شروع شد که در سال ۲۰۱۷ م. یک گفت‌وگو فیسبوکی با یک دوست ایرانی داشتم پیرامون این مطلب که آیا زرتشت آذربایجانی است؟ به او از آثار دانشمندان غربی از جمله پروفیسور نیبرگ نام بردم که در همه‌ی این آثار آذربایجانی بودن زرتشت رد شده و حتی در کتاب پروفیسور نیبرگ سخن از دستکاری نویسندگان عهد ساسانی در روایات سستی است. در ادامه، همین متن کوتاه را هم همان‌جا نوشتم. در آن‌زمان شاید جناب روغ چنین پنداشته است که گویی من نقل قول مستقیم از این پروفیسور سویدی کرده‌ام!

به هر حال، در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۷، جناب روغ از طریق پیام‌گیر (مسنجر) فیسبوک با من در تماس شد و نوشت (چنان‌که در بالا هم ذکر شد):

مهدی گرامی لطف کنید و در حق من مهربان شوید. چند تا سؤال دارم. یادداشت‌های شما مرا کنجکاو ساخت. در بحث آیا زرتشت آذربایجانی بود؟ شما چند نام را ذکر کرده‌اید. شیددر آلمانی، زولتسر آلمانی، سامویل نیبرگ سویدی، که درباره‌ی زرتشت سخن گفته‌اند.

می‌توانید لطفاً نام کامل اینان را به لاتین بنویسید و مآخذ بدهید که در کجا چنین گفته‌اند. (با ذکر: نام کتاب، سال نشر، و صفحه) و بعد از مهرداد بهار ذکر کرده‌اید. می‌توانید لطفاً [این را هم] مآخذ دقیق بدهید؟ زحمت‌تان را بیخشید.

برایش پاسخ نوشتم:

البته. من از ترجمه‌های ایرانی استفاده کرده‌ام. نمی‌دانم که در متن اصلی کدام صفحات هستند. اما تلاش می‌کنم، افزون بر این‌ها چند منبع خارجی دیگر را نیز معرفی کنم. مثلاً کتاب پروفیسور گراردو نیولی، [رئیس مؤسسه‌ی ایزمئو از سال ۱۹۷۹ (انستیتو ایتالیایی برای خاورمیانه و خاور دور) و استاد در دانشگاه رم] با عنوان «زمان و زادگاه زرتشت» و کتاب مری بویس، [زبان‌شناس و تاریخ‌نگار بریتانیایی]، با عنوان «چکیده‌ی تاریخ کیش زرتشت».

اما ظاهراً اصرار جناب روغ به دانستن دقیق منبع همان مطلب من بود. گرچه اندکی مشکوک شدم که چرا آقای روغ به جای این دو منبع جدید، اصرار در دانستن همان منبع قدیمی دارد، با وجود این، در نهایت برایش مشخصات آن کتاب را هم نوشتم: ... متن هنریک سامویل نیبرگ را من از کتاب دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: ۱۳۵۹، صفحه‌ی ۴۰۰، در صفحه‌ی ۲۳ کتاب «افغانستان مهد آیین زرتشت» نقل قول کرده‌ام.^۳

با این حال، پس از چاپ کتاب اول «ما کی هستیم؟» با تعجب متوجه شدم که جناب روغ اطلاعات را از دیگران گردآوری می‌کند و در کتابش به اسم خود به نشر می‌رساند. چنان‌که همان مطلب فیسبوکی مرا «بدون ذکر نام من» در صفحه‌ی ۱۸۱ کتاب خود به شکل نقل قول مستقیم از پروفیسور نیبرگ ذکر کرده است!

۳- ظاهراً در این ارجاع‌دهی من هم دچار یک اشتباه کوچک شده بودم، چون مطلبی که از ترجمه‌ی فارسی کتاب پروفیسور نیبرگ (صفحات ۴۰۰-۴۰۲، چاپ سال ۱۳۵۹) مدنظرم بود، در صفحه‌های ۱۱-۱۲ «افغانستان مهد آیین زرتشت» (کتاب چاپی) نقل قول کرده‌ام؛ که در دست‌نوشته‌هایم در صفحه‌ی ۲۳ است.